

سیره اخلاقی پیامبر اکرم ﷺ در سیمای آیات و روایات

رحمت الله نوری^۱

چکیده

اخلاق نیکو و برخورد شایسته با مردم از مهم‌ترین فضیلت اخلاقی پیامبر گرامی اسلام ﷺ است؛ که در روایات به «حُسْنُ خُلُقٍ» تعبیر شده و در قرآن کریم با عنوان «خُلُقٍ عَظِيمٍ» ستوده شده است. ضروری است برای شکوفایی نهال اخلاقی و رشد بذر فضایل انسانی از سیره اسوه جامع و کامل پیروی کرد. مقاله حاضر، سیره اخلاقی پیامبر اکرم ﷺ را به طور کلی در سیمای آیات و روایات به تصویر کشیده است. گفتار ابتدایی این اثر به بازشناسی سیره و اخلاق، دیدگاه‌ها و منشأ اختلاف می‌پردازد. در گفتار دوم به سیره اخلاقی پیامبر اکرم ﷺ از نگاه قرآن و روایات و به نمونه‌هایی از فضایل اخلاقی پیامبر گرامی اسلام ﷺ پرداخته شده است.

کلید واژه‌ها: سیره، اخلاق، پیامبر ﷺ، آیات و روایات، فضایل اخلاقی.

مقدمه

مقوله اخلاق در طول تاریخ ذهن و ضمیر آدمی را به خود مشغول داشته و در کارنامه علوم بشری مکالمات و مجادلات بسیاری را به همراه داشته است. مطالعه در کارنامه اخلاقی تعالیم انبیا از ابراهیم خلیل و موسی کلیم و نیز رسولان بنی اسرائیل و عیسی مسیح تا سالار

۱. کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن و عضو شورای مدیریت انجمن تفسیر و علوم قرآن.

و مهتر این قافله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، گویای روشن نقش اخلاق در ادیان توحیدی و آسمانی است. هدف از بعثت انبیاء عظام الهی و تشریع ادیان آسمانی، جز هدایت بشر و تحصیل سعادت حقیقی یعنی قرب خداوندی نیست و هدف از علم اخلاق نیز جز این نیست؛ از این رو «الگودهی» و «الگوگیری» دو واژه‌ای است که ضرورت پژوهش در سیره اخلاقی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را نمایان می‌سازد. «الگو» در خودسازی‌های فردی و چه در تربیت‌های اجتماعی سهم عمده‌ای ایفا می‌کند. الگو خواهی و سرمشق داشتن، از نیازهای اساسی و طبیعی انسان است. نیازی که ضرورت آن از آغاز طفولیت احساس می‌شود و به مرور زمان، الگوهای جدید به تناسب شرایط و نیازها جایگزین الگوهای قبلی می‌شود و این تغییر و تحول‌ها، روند تکامل انسان را در پی دارد. مقصود الگوها و سرمشق‌هایی است که تجسم آرمان‌ها و بُعد عینیت یافته یک مکتب و مرام است. واضح است که ارائه الگوی عملی و عینی تأثیر و برانگیختگی روانی در سطح بالا دارد؛ تأثیر عمیق و جدی الگو مبتنی بر روحیه تقلید و همسان‌سازی در آدمی است و در روان‌شناسی درباره علت و ساز و کارهای روانی آن مباحث گسترده‌ای شده است.^۲ در زبان قرآن از این سرمشق‌های کمال و الگوهای تزکیه و تربیت به «أسوه» یاد شده است. هم حضرت ابراهیم در مسیر مبارزاتی توحیدی خویش، الگوی موحدان معرفی شده است و هم رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در بُعد اخلاقی و معاشرت، أسوه مسلمانان به حساب آمده است. خداوند در قرآن، پیامبر را این گونه به عنوان الگو معرفی می‌کند: «لقد کان لکم فی رسول الله أسوه حسنه»؛ البته برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی است.^۳ این آیه دلیل روشنی بر معیار بودن رفتار و گفتار نبی گرامی اسلام به عنوان اسوه و الگودهی برای انسانیت است، در اخلاق پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله ویژگی‌هایی وجود دارد که آن حضرت از روز نخست پایبند به آن‌ها بود و تحت هیچ شرایطی حاضر نبود از آن ویژگی‌ها دست بردارد. جوامع اسلامی نیز به احیای ارزش‌های والای دینی و بازگشت به اصول اخلاقی نیازمند است و می‌توان گفت که شرط لازم حاکمیت دین در دنیای امروز گسترش و نهادینه‌سازی اخلاق در طبقات مختلف مردم با الگوگیری از سیره اخلاقی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است.

۲. رک: حسینی زاده، علی، سیره تربیتی پیامبر، و اهل بیت (ع)، قم: انتشارات پژوهشگاه، ۱۳۸۲، ۲۵.

۳. احزاب: ۲۱.

مسلمانی که بخواهد انسان کامل شود باید از رسول خدا ﷺ «الگوگیری» کند، گفتار آن حضرت و کردار و اخلاقش را الگوی گفتار و رفتار و اخلاق خود قرار دهد. اگر پیامبر ﷺ در زندگی ما اسوه باشد، در ایمان و توکلش، در اخلاص و شجاعتش، در زهد و تقوایش، به کلی برنامه‌های زندگی ما دگرگون خواهد شد و نور و روشنایی سراسر زندگی ما را فرا خواهد گرفت. امروز بر همه مسلمانان مخصوصاً جوانان با ایمان و پر جنب‌وجوش، فرض است که سیره پیامبر اکرم ﷺ را موبه‌مو بخوانند و به خاطر بسپارند و او را در همه چیز قدوه و اسوه خود سازند که مهم‌ترین وسیله سعادت و استواری دین همین است. اگر نسبت به سرمشق بودن هرکس دیگر، شبهه و تردیدی باشد، الگو بودن حضرت رسول ﷺ بی‌هیچ تردیدی، از سوی خدای متعال تثبیت و امضا شده است و اخلاق والای نبوی که عامل عمده محبوبیت او در میان اُمت و سبب اصلی موفقیت او در دعوت دینی بوده است، در قرآن کریم به‌صراحت سُتوده شده است؛ «وَ اِنَّكَ لَعَلٰی خَلْقٌ عَظِيْمٌ»^۴ و نیز به دلیل همین اخلاق بزرگ و پسندیده است که اُمت محمدی مأمورند تا خصلت‌ها و خُلق و خُوی فردی و اجتماعی آن حضرت، تبعیت کنند و آن پیامبر رحمت و الگوی کمال را «اُسوه» خویش قرار دهند. آن‌چنان‌که خود آن حضرت فرمود: «اِنَّ اللهَ بَعَثَنِي لَتَمَامِ الْمَكَارِمِ الْاَخْلَاقِ وَ تَمَامِ مَحَاسِنِ الْاَفْعَالِ؛ حَقِيقَتِ اَيْنِ اَسْتُ اَسْتُ اَنَّ اللهَ خَدَاوَنَد مُتَعَال، مَرَا بَه مَنظُور تَكْمِيْل كَرْدَن خُوبِي‌هَآي اَخْلَاقِ وَ كَمَالِ وَ اَتْمَامِ زِيَايِي‌هَآي كَرْدَار مَبْعُوثِ نَمُودَه اَسْتُ»^۵.

ضروری است که سیره اخلاقی پیامبر اکرم ﷺ که در میان انبیاء در اخلاق و حسن معاشرت با مردم، اُسوه معرفی شده است را خوب بشناسیم و برای شکوفایی نهال اخلاقی و رشد بذر فضایل انسانی از سیره و دستورالعمل اسوه‌های جامع و کامل پیروی کنیم. شایسته و بایسته است که در این نوشتار، سیره اخلاقی پیامبر اکرم ﷺ را در سیمای آیات و روایات به بحث نشست و نگاهی به برخی گفتار و کردار اخلاقی ایشان داشته باشیم به امید اینکه اندک جلوه‌ای از سیره اخلاقی آن بزرگوار ترسیم شود و الگوی واقعی زندگی عملی ما قرار گیرد و بتوانیم از این اقیانوس بی‌کران، جرعه‌ای بگیریم و در پرتو فروغ پاکش، جان را جلا بخشیم و دل را صفا دهیم.



۴. قلم: ۴

۵. مشکوٰۃ المصابیح، ص ۵۱۴، به نقل از: احمدی خواه، علی، خُلق عظیم پیامبر اعظم، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۹۰، ص ۲۶۹.

گفتار نخست: بازشناسی مفاهیم

برای دست یافتن به تعریفی از سیره اخلاقی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله لازم است که مفهوم واژه‌های «سیره» و «اخلاق» را بررسی کنیم.

۱. تعریف سیره

واژه «سیره» اسم مصدر از ماده «سیر» است. «سین و یاء و راء» ریشه‌ای است که بر «گذشتن» و «روان شدن» و «حرکت کردن» دلالت می‌کند.^۶ و نیز به معنای رفتن و سیر کردن در زمین است.^۷ «سیره» یعنی آن حالتی که انسان دارد، نوع خاص حرکت انسان، نوع رفتار. سیره بر وزن فَعَلَه است و فَعَلَه در زبان عربی دلالت بر نوع می‌کند.^۸ لذا اهل لغت در توضیح معنای آن گفته‌اند: «سیره» طریقه، هیئت و حالت است؛^۹ و نیز آن را سنت، مذهب، روش، رفتار، راه و رسم، سلوک و طریقه معنا کرده‌اند.^{۱۰} راغب اصفهانی درباره این واژه می‌نویسد: «سیر حالت و روشی است که انسان و غیر انسان، نهاد و وجودشان بر آن قرار دارد، خواه غریزی و خواه اکتسابی باشد، چنانکه گفته می‌شود فلانی سیره و روشی نیکو یا سیره و روشی زشت دارد؛ و آیه «سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَى»^{۱۱}؛ یعنی آن حالتی که بر آن بوده که همان چوب است».^{۱۲} با توجه به آنچه از اهل لغت ذکر شد «سیره» را به معنای سنت، روش، هیئت، حالت، طریقه و راه و رسم گفته‌اند، می‌توان «سیره» را نوعی رفتار و سبک رفتار و طریقه زندگی معنا کرد. اما واژه «سیره» در کاربرد اصطلاحی به معنای شرح وقایع زندگی رسول خدا صلی الله علیه و آله به کار رفته، مانند: حوادث پیش از بعثت، و حوادث پس از آن و جنگ‌های پیامبر.^{۱۳} استاد مطهری در این باره می‌فرماید: «سیره یعنی نوع رفتار و آنچه مهم است شناختن سبک رفتار پیغمبر است».^{۱۴} بدین ترتیب می‌توان گفت که «سیره» به معنای و روش‌هایی است که یک فرد در رفتار، گفتار و کردار خود دارد.

۶. أبو الحسن أحمد بن فارس زکریا، معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبد السلام محمد هارون، مكتبة الإعلام الإسلامي، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۲۰.

۷. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ ق، ج ۶، ص ۴۵۳.

۸. مطهری، مرتضی، سیری در سیره نبوی، تهران، صدرا، ۱۳۸۰، ج ۲۳، ص ۴۸ و ۴۹.

۹. أبو الحسن أحمد بن فارس زکریا، معجم مقاییس اللغة، پیشین، ص ۲۸۷.

۱۰. دلشاد تهرانی، مصطفی، سیره نبوی، تهران، دریا، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۶.

۱۱. طه: ۲۱.

۱۲. راغب اصفهانی، أبو القاسم الحسین بن محمد، مفردات غریب القرآن، دفتر نشر الکتاب، ۱۴۰۴ ق، ص ۲۴۷.

۱۳. ابن هشام، عبد الملک، سیره النبی، دارالفکر، بیروت، ج ۱، مقدمه، ص ۱۹.

۱۴. مطهری، مرتضی، پیشین، ۱۲-۱۳.

۲. سیره در مفهوم خاص

از آنجا که سیره‌نویسی در ابتدا با نگارش سیره نبوی آغاز شد و سیره در مفهوم شرح حال پیامبر اسلام ﷺ شهرت تام یافت، بسیاری از دانشمندان «سیره نبوی» را چنین تعریف کرده‌اند: «سیره نبوی پیامبر اسلام ﷺ عبارت است از مجموعه اخبار و گزارش‌هایی که از زندگی رسول خدا ﷺ روایت شده است. اسماء پیامبر، ویژگی‌ها، فضایل، حوادث و هرگونه رفتار، کردار، سلوک و حرکات و سکناات آن حضرت ﷺ که در مدت ۶۳ سال عمر آن بزرگوار از تولد تا وفات روی داده است.»^{۱۵} اما اساس سیره رسول خدا ﷺ بر دو اصل بنیادی استوار است؛ یکی «اخلاق» و دیگری «آداب»، که هریک بخشی از چهارچوب و ضوابط و سیره آن حضرت را تعیین نموده است؛ پس با توجه به مفهوم سیره و اخلاق - در لغت و اصطلاح - می‌توان گفت: که سیره اخلاقی پیامبر ﷺ عبارت است از روش و شیوه رفتار، گفتار و کردار نیکی که منشأ صدور آن‌ها ملکه‌ای نفسانی ثابت در وجود مقدس آن حضرت بوده است و او دارنده بهترین اخلاق بود.

۳. مفهوم اخلاق و دیدگاه‌ها

«اخلاق» در اصل، واژه‌ای عربی که مفرد آن «خُلُق» یا «خُلُق» است. در کتب لغت، بیشتر به معنای «سرشت و سچیّه» آمده است.^{۱۶} راغب اصفهانی درباره این واژه می‌نویسد: «خُلُق و خُلُق در اصل، یکی هستند، اما «خُلُق» به هیئت، اشکال و صورت‌هایی که با چشم درک می‌شود اختصاص یافته و «خُلُق» به قوا و سجایایی که با بصیرت درک می‌شود مختص شده است.»^{۱۷} لغت شناسان عموماً آن را با واژه «خُلُق» هم‌ریشه دانسته‌اند. وقتی گفته می‌شود فلان کس خُلُق زیبایی دارد، یعنی نیرو و سرشت یا صفت معنوی و باطنی زیبا دارد. در مقابل، هنگامی که می‌گویند فلان کس خُلُق زیبایی دارد، به معنای آن است که دارای آفرینش و ظاهری زیبا و اندامی سازگار است.^{۱۸}



۱۵. جوان مهر، حسین، سیره حکومتی پیامبر اسلام، رشت، انتشارات مبین، ۱۳۸۲، ص ۶۳.

۱۶. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، (تحقیق: احمد عبد الغفور عطار)، بیروت، دارالعلم لملايين، الرابعة، ۱۴۱۸ ق، ج ۴، ص ۱۴۷۱؛ طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، (تحقیق: السید أحمد احسینی)، [بی جا]، مکتب النشر الثقافة الإسلامية، ۱۴۰۸ - ۱۳۶۷ ش، ج ۱، ص ۶۹۳.

۱۷. راغب اصفهانی، محمد، پیشین، ص ۱۵۸.

۱۸. زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارمکتبه الحیاء، [بی تا]، ج ۶، ص ۳۳۷؛ ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق، ج ۴، ص ۱۹۴.

اخلاق در اصطلاح اندیشمندان علم اخلاق، معانی و کاربردهای متفاوتی دارد. اخلاق (ethic) دانش است که از مهم‌ترین ابعاد زندگی آدمی سخن به میان می‌آورد؛ همه ما انسان‌ها با این پرسش‌ها مواجهیم که چه باید بکنیم و چه کار باید انجام دهیم؟^{۱۹} و اما بیشتر علمای اخلاق، «خُلُق» را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «ملکه‌ای نفسانی است که به اقتضای آن، فعلی به سهولت و بدون نیاز به فکر کردن، از انسان صادر می‌شود».^{۲۰} ابن مسکویه معلم اخلاق می‌گوید: «اخلاق در اصطلاح علمای اخلاق عبارت از حالت و ملکه‌ای است که آدمی را بدون فکر در انجام کارها تحریک کند، و آن بر دو قسم است، قسم طبعی که مربوط به سرشت انسان است و قسم دیگر ناشی از عادت است...»^{۲۱} علامه مجلسی در تعریف اخلاق می‌گوید: «اخلاق ملکه‌ای نفسانی است که کار به آسانی از آن صادر می‌شود. برخی از این ملکات فطری و ذاتی‌اند و پاره‌ای از آن‌ها نیز با تفکر و تلاش و تمرین و عادت دادن نفس به آن‌ها، به دست می‌آیند... چنان‌که بخیل در ابتدا با سختی و جان‌کندن چیزی را می‌بخشد اما در اثر تکرار، بخشش به صورت خوی و عادت او درمی‌آید».^{۲۲} اما برخی از فیلسوفان و اخلاق پژوهان معاصر مانند آیه^{۲۳} الله مصباح، تعریف علماء از علم اخلاق را کامل ندانسته و معتقد است: «موضوع علم اخلاق اعم از ملکات نفسانی – که فلاسفه^{۲۴} اخلاق تاکنون بر آن تأکید داشته‌اند – بوده و شامل همه^{۲۵} کارهای اختیاری انسان می‌شود که ارزشی است؛ یعنی متصف به خوب و بد بوده و می‌تواند برای نفس کمالی را فراهم آورد یا موجب پیدایش رذیلت و نقضی در نفس شود».^{۲۶} پس صفاتی که در نفس و روح انسان ثابت و ریشه‌دار است و به صورت ملکه شده و به راحتی منشأ صدور اعمال خوب یا بد می‌شود، اخلاق نامیده شده. گاهی این افعال و اعمال شرعاً و عقلاً پسندیده است که به آن اخلاق نیکو و گاهی ناپسند است که به آن اخلاق بد می‌گویند.

در باب اخلاق، بعضی بر فطری بودن آن و بعضی دیگر بر اکتسابی بودنش نظر دارند. آن‌ها که بر نظریه فطری بودن آن رفته‌اند، ممکن است برای طبیعی بودن ملکات

۱۹ حسینی، بی بی زهرا، پایان نامه: «رابطه اخلاق و دین از دیدگاه سید قطب و استاد مطهری»، جامعه المصطفی، ۱۳۸۹، ص ۱۰.

۲۰ مهدی التراقی، محمد، جامع السعادات، مطبعة النعمان - النجف الأشرف، [بی تا]، ج ۱، ۳۲؛ جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن، مبادی اخلاق در قرآن، قم، انتشارات هجرت، چ چهارم، خرداد ۱۳۸۴، ج ۱۰، ص ۷۳.

۲۱ حائری تهرانی، مهدی، وشر، عبدالله، بنیادهای اخلاق اسلامی، (ترجمه: حسین بهجو و علی مشتاق عسکری)، تهران، انتشارات صدر، چاپ سوم، ۱۳۷۳، ص ۲۸ و ۲۹.

۲۲ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، دار إحياء التراث العربی، بیروت - لبنان، ۱۴۰۳ - ۱۹۸۳ م، ج ۶۷، ص ۳۷۲.

۲۳ قربانی، عسگر، «ایمان، امید، محبت در اسلام و مسیحیت»، انتشارات مؤسسه آموزشی امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۹۰، ص ۲۵؛ فقیهی، سید احمد، دانشنامه موضوعی مقالات قرآنی، مقاله «تربیت اخلاقی از منظر قرآن»



«خُلِقَ وَخُوِي هَاي» اخلاقی به آیه «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ» (اسراء/۸۴) استناد کنند. بر اساس ظاهر این آیه، اعمال آدمی تابع شاکله او است که همان طبع و سرشت غیر اکتسابی وی به شمار می‌رود و شاکله هرکس نیز پیرو ساختار وجودی او است.^{۲۴} بنابراین، سرنوشت انسان نیز که از رهگذر خُلق و خوی‌ها و به دنبال اعمال او شکل می‌گیرد، طبیعی و از پیش تعیین شده است. برخی روایات اسلامی نیز این مضمون را تأیید می‌کنند؛ مانند حدیث ابن مسعود: «إن الله تبارک وتعالی قسم بینکم أخلاقکم كما قسم بینکم أرزاقکم»، «خداوند، اخلاقتان را همانند روزی‌تان درمیان‌تان تقسیم کرده است».^{۲۵} این دسته به سخن دیگر پیامبر، برای تقویت نظرشان استثنا کرده‌اند «السعيد من سعد فی بطن أمه والشقی من شقی فی بطن أمه».^{۲۶} ولی در قرآن کریم، آیه‌ای که به صراحت بر طبیعی یا غیر قابل تبدیل بودن خُلق خاص دلالت کند، وجود ندارد؛ اما برخی از خُلق و خوی‌های نکوهیده چنان مطرح شده که گویا طبیعی‌اند و آدمی را گریزی از آن‌ها نیست؛ مثلاً آدمی، آزمند و حریص آفریده شده: «إنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا» (معارج: ۱۹) یا عَجُول و بی‌تدبّر خلق شده است: «خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ» (انبیاء: ۳۷)^{۲۷} اما کسانی که بر اختیاری و اکتسابی بودن آن در انسان باور دارند، به آیه «لا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ» (بقره: ۲۸۶) استناد کرده‌اند؛ زیرا قرآن کریم تأکید دارد که تکلیف الهی همواره به مقدرات آدمی تعلّق می‌یابد و مهم‌تر از آن این که سرنوشت نهایی انسان در گرو اختیار او است و به کسب یا اکتساب وی بستگی دارد.^{۲۸} و این موضوع بدون پذیرش امکان تغییر در خُلقیات انسان ممکن نیست. و حدیثی از پیامبر ﷺ درباره یکی از صحابی‌ان به همین معنی اشاره دارند که فرمود: «اللهم كما حسنت خُلُقِي فَحَسِّنْ خُلُقِي وَرِزْقِي»، «پروردگارا، همان‌گونه که خلقت مرا نیکو گردانده‌ای، اخلاقم را نیکو گردان».^{۲۹} امیرمومنان علی (عادت؛ یعنی هر چیز اکتسابی مانند خلق و خوی و دانش را طبیعت ثانوی بشر می‌داند؛ به این معنا که انسان یک طبیعت اولیه دارد که خداوند خلق کرده و در آن فطرت و غریزه دوگانه‌ای را نهاده است که آدمی را به هر سوی می‌کشد. هرگاه

۲۴ رازی، فخر الدین، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ ه. ق، ج ۲۱، ص ۳۹۲.
۲۵ احمد بن حنبل، مسند احمد، دار صادر - بیروت - لبنان، ج ۱، ص ۳۸۷؛ حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۴، ص ۱۶۵.

۲۶ رازی، فخر الدین، پیشین، ج ۱۴، ص ۲۹۳.

۲۷ طباطبائی، محمدحسین، تفسیر المیزان (ترجمه: موسوی همدانی، محمد باقر)، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۱۹.

۲۸ جوادی، محسن، مقاله «اخلاق»، دائرة المعارف قرآن کریم، (ج ۲) - مرکز فرهنگ و معارف قرآن،

WWW.MAAREFQURAN.ORG

۲۹ طبرسی، فضل بن الحسن، مکارم الأخلاق، منشورات الشریف الرضی، ۱۳۹۲-۱۹۷۲ م، ص ۶۹.

انسان با رنج و تلاش، خود را در مسیر کمالی (فضائل اخلاقی) قرار دهد، در یک فرآیند و حرکت جوهری به صورت شاکله و شخصیت وجودی او درمی آید و به عنوان طبیعت دوم که ساخته و پرداخته هر شخصی است، ماندگار و پایدار می گردد. منش و خلق و خوی انسانی نیز به عنوان طبیعت ثانوی او درآمده و شاکله و شخصیت وجودی او را شکل می دهد و این گونه است که بر پایه آن رفتار می کند.^{۳۰}

از برخی روایات دیگر نیز استفاده می شود که نظر به هردو مورد دارند؛ مانند این حدیث که پیامبر ﷺ فرمود: «إن فیک لخصلتین یحبهما الله: الحلم و التؤدة»، «در تو دو خصلت هست که هردو را خدا دوست دارد: بردباری و تأمل». آن شخص عرض کرد: ای رسول خدا این از پیش در من بوده یا جدیداً پیدا شده است؟ حضرت ﷺ فرمود: از پیش^{۳۱} از پرسش صحابی و پاسخ پیامبر، معلوم می گردد که اخلاق هم فطری و هم اکتسابی است^{۳۲}؛ یعنی اگر این دو خصلت پیش از تولد در وجود صحابی بوده و پیامبر، نیز آن را تأیید کرده، اخلاق یک امری فطری است و از آن جهت که اصل اعتقاد صحابی که این دو خصلت ممکن است بعد از تولد به وجود آمده باشد، را رد نکرده بیان کننده این است که اخلاق یک امری اکتسابی است.

منشأ اختلاف در نام گذاری

منشأ اختلاف در فطری یا اکتسابی بودن اخلاق، اعتقاد و باورهای دو گروه است؛ یعنی آن های که «خلق» را از ریشه «خَلَقَ» به معنای «آفرینش» گرفته، چون باورش این بوده است که صفات نفسانی، در آفرینش ریشه دارد و انسان های نیکو خصال یا زشت کردار ساخته و پرداخته آفرینش اند و رفتار نیک یا زشت از اختیارشان بیرون است، پس «خلق» یک امر فطری و جبلی است.^{۳۳} برخی از اندیشمندان معاصر در این باره می نویسند: «سومین نظریه در منشأ پیدایش مفاهیم اخلاقی این است که این ها مفاهیمی فطری و نهاده شده در سرشت و ذات آدمیان هستند ...، یا دست کم برخی از اصول اخلاقی مورد پذیرش انسان ها، قابل تعلیم و آموزش نیستند؛ ما به عنوان مخلوقات خداوند، با این اصول به دنیا آمدیم».^{۳۴} اما آنهایی که

۳۰ منصور، خلیل، دانشنامه موضوعی مقالات قرآنی، مقاله: «حسن خلق در آموزه های قرآنی» W W W..MAAREFQURAN.ORG

۳۱ ابن ماجه، محمد بن یزید القزونی، سنن ابن ماجه، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزیع، ج ۲، ص ۱۴۰۱.

۳۲ آینه وند، صادق، سیره نبوی و سیره نگاران، تهران، خانه کتاب، چاپ دوم، ۱۳۸۸، ص ۱۲۳.

۳۳ رک: رضایی اصفهانی، محمد علی و حلیم اف، محمد الله، «مبانی نظری مستشرقان در مورد تناقضات قرآن»،

مجلات تخصصی قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره ۶، ص ۱۲۸.

۳۴ مصباح، محمد تقی، فلسفه اخلاق، شرکت چاپ و نشر بین الملل، تهران، ۱۳۸۰، ص ۴۶ و ۴۷.

اخلاق و صفات درونی را- مانند رفتار و کردار برونی- اکتسابی و اختیاری می‌دانستند، نام آن را «خوی» گذاشتند که از «خو گرفتن» مشتق شده است. لذا گفته‌اند که «خُلُق» مرادف «خوی» یک امر اکتسابی و اختیاری است.^{۳۵}

گفتار دوم: سیره اخلاقی پیامبر اکرم ﷺ

جایگاه اخلاق در فرهنگ و ادیان الهی و ازجمله اسلام جایگاه بس رفیع و بلندی است تا آنجا که رسول خدا ﷺ فرمودند: «إنما بعثت لأتمم مكارم الاخلاق؛ همانا من برای تکمیل و تمیم مکارم اخلاقی انسان‌ها به رسالت مبعوث گشته‌ام». و نیز خداوند او را ازهرجهت از اخلاق فاضله بی‌نیاز گرداند تا بتواند عائله‌اش را که امت او تا قیامت هستند بهره‌مند سازد^{۳۶} و از مقام اخلاقی او چنین تعبیر می‌کند که هر آینه تو بر اخلاق بزرگ هستی.^{۳۷} پیامبر اسلام ﷺ در رأس همه انسان‌های کمال‌یافته و بافضیلت، اسوه اخلاق و الگوی فضیلت بودند و بدین روست که برترین انسان به حساب می‌آید.

با توجه به مطالب گذشته، سیره اخلاقی پیامبر ﷺ عبارت است از روش و شیوه رفتار، گفتار و کردار نیکی که منشأ صدور آن‌ها ملکه‌ای نفسانی ثابت در وجود مقدس آن حضرت بوده است و از آن جهت که وجود پیامبر اکرم ﷺ متصل به وحی است، اخلاق بد و ناشایسته از ایشان صادر نمی‌شود؛ زیرا تمام رفتارهای پیامبر اکرم ﷺ به یقین در وحی الهی ریشه دارد و نمی‌تواند تصور کرد که بخشی از وجود حضرت مرتبط و بخشی دیگر تهی از آن باشد یا پاره‌ای از تصمیم‌هایش در امور و حیانی ریشه داشته و دسته‌ای دیگر بریده از آن باشد.^{۳۸} مثلاً خداوند پیامبرش را به خودش واگذار کرده باشد! چنین تفکیکی که در پی جداسازی جوهره نبوت در دو دستگاه الهی- و حیانی و انسانی- دنیوی است، نه تنها با واقعیات ناسازگار، بلکه در عالم انتزاع هم نابخردانه است؛ زیرا «وحی» در تمام پیکره وجودی پیامبر اسلام ﷺ جاری است و تمام دامنه هویت او - حالات، افکار، اعمال خارجی، خواسته‌های درونی- و گستره کل حیاتش، بدون جداسازی پاره زمانی خاص، دوره پیامبری را در برمی‌گیرد.^{۳۹} بدین

۳۵. رک: رضایی اصفهانی، محمد علی و حلیم اف، محمد الله، «مبانی نظری مستشرقان درمورد تناقضات قرآن»، مجلات تخصصی قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره ۶، ص ۱۲۸.

۳۶. الضحی: ۸.

۳۷. قلم: ۴.

۳۸. ر. ک: حسینی سروری، حسین، نگاهی به مبادی و مبانی تحلیلی سیره نبوی، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۳، ص ۷۶.

۳۹. حسینی سروری، حسین، پیشین، ص ۷۶ و ۷۷.



ترتیب که درجه عظمت اخلاقی آن بزرگوار مقوله وحی و از جنس ارواح عالم مجردات است پس می‌توان گفت، هیچ رفتاری از پیامبر ﷺ را نمی‌توان جدای از جنبه وحیانی وجود او تلقی کرد. بنابر این تمام فضایل اخلاقی یا افعال و گفتار نیکی که آن حضرت ﷺ در طول زندگی خویش بر آن پایدار بوده، همچون آراستگی، روش غذا خوردن و آشامیدن، نحوه پوشش، نیک‌خلقی، راستی، نرمی و مهربانی، گذشت ... و دیگر ویژگی‌های برجسته ایشان که بهترین و زیباترین نمونه عملی برای همه افراد بشر در زندگی می‌باشد، سیره اخلاقی پیامبر را تشکیل می‌دهند.

۱. اخلاق پیامبر اکرم ﷺ از نگاه قرآن

یکی از مهمترین دستورات دینی، تحصیل در سیره اخلاقی پیامبر اکرم ﷺ است که ارزش و اهمیت آن به توصیف نص قرآن کریم و احادیث اهل بیت علیهم السلام بیشتر معلوم می‌شود. قرآن کریم در آیات بسیاری پیامبر ﷺ را مورد توجه ویژه قرار داده و او را وصف کرده است، پروردگار متعال در سوره مبارکه «قلم» برای اثبات جنبه‌های مختلف شخصیت رسول خود و از جمله شخصیت اخلاقی آن حضرت به مقدس‌ترین پدیدارها یعنی قلم - وسیله انتقال اندیشه و ابزاری تکامل‌بخش فکر و تمدن بشری - سوگند یاد کرده است: «وَأَنك لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ»^{۴۰، ۴۱} لفظ «علی» اشراف پیامبر خدا ﷺ بر این اخلاق را بیان می‌دارد و بر تسلط آن حضرت تأکید دارد. اگر معنی «خلق» را ملکه نفسانی بدانیم که صاحب آن می‌تواند کارهای ستوده و رفتار نیکو از خود صادر کند. در حقیقت این اخلاق است که بر انسان متصف به اخلاق، فرمان می‌راند. اما در آیه بالا خداوند، اخلاق را درمهار حضرت ختمی مرتبت معرفی می‌کند و این رسول گرامی خدا ﷺ است که بر اخلاق حکم می‌راند. خداوند در آیه ۱۱۳ از سوره مبارکه نساء در باب تعلیمات وحیانی به آن حضرت، از کلمه «عظیم» استفاده کرده است: «وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا» و تو را آموخت آنچه را که از پیش نمی‌دانستی [به این سبب] فضل خدا بر تو بزرگ است». از میان گزینه‌های بسیار، در جهت نمایاندن مرتبت و شخصیت اخلاقی پیامبر خاتم ﷺ وصف «عظیم» را برازنده و مناسب خلق و خوی وی دیده و او را به این وصف، ستایش کرده است. درباره توصیف خلق

۴۰. قلم: ۴.

۴۱. هاشمی، حسین، «قرآن و شاخصه‌های اخلاق نبوی ۹»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، دفتر تبلیغات اسلامی، شعبه خراسان رضوی، شماره ۴۶-۴۷، تابستان و پاییز ۱۳۸۵.

آن حضرت به «عظیم» شارحان و مفسران سیره نبوی اشاراتی داشته‌اند، مرحوم شیخ طوسی پس از نقل روایت ذیل آیه می‌فرماید: «کسی را که خداوند به خلق عظیم بستاید، بالاتر از آن، مدح و ستایشی نمی‌توان سراغ گرفت».^{۴۲} و نیز فخرالدین رازی در این مورد می‌نویسد: «سر اینکه خداوند پیامبر را بر عظمت در اخلاق ستایش کرده آن است که به او دستور داده تا به هدایت انبیاء اقتدا کند «أولئك الذين هدى الله فيهم اقتده»؛ که منظور آن است که به تمام فضایل اخلاقی که در انبیاء متفرق است اقتدا کند و چون این درجه عالیه برای هیچ‌یک از انبیاء الهی پیشین میسر نشد خداوند او را به اخلاق عظیم یادکرد».^{۴۳} بعضی گفته‌اند: «معمولاً خلق را به کرم و کرامت توصیف می‌کنند و با صفت «کریم» می‌آورند، ولی مراد خدای تعالی از صفت «عظیم» آن است که پیامبر، به مؤمنان رحیم و بر مشرکان شدید بودند».^{۴۴} و بعضی دیگر گفته‌اند: «به این سبب بود که با اخلاقی با خلق خدا معاشرت کرد و بادلش از آن‌ها مفارقت جست، پس ظاهرش با مردم و باطنش با خدا بود و گفته‌اند: «خلق او را عظیم نامیده برای اجتماع مکارم اخلاق در آن حضرت و تأیید می‌کند این معنا را آنچه از آن حضرت روایت شده که فرمود: *أَمَا بَعَثْتُ لَأَتَمَّ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ؛ الْبَتَّةَ مِنْ مَبْعُوثٍ شَدَمَ كَهْ* مکارم اخلاق را تمام کنم».^{۴۵}

۲. اخلاق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از منظر روایات

چرا اهل بیت علیهم السلام به توصیف اخلاق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اهتمام می‌ورزیدند؟ آیا این کار تأثیری در اعتقاد مخاطب به پیامبر صلی الله علیه و آله داشت؟

به نظر می‌رسد توصیف سیره اخلاقی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، هم در آشنا شدن مخاطبان با پیامبر صلی الله علیه و آله مؤثر است و هم در ایجاد تقویت اعتقاد به او. تأثیر در آشنا شدن مخاطب با پیامبر صلی الله علیه و آله روشن است؛ زیرا مخاطب با نوع رفتار و نحوه رفتار و نیز بر منطق حاکم بر رفتار ایشان در ابعاد گوناگون آشنا می‌شود. علاوه براین، مخاطب می‌تواند با دقت در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله شخصیت او را دقیق‌تر بشناسد و با شخصیت دیگر انسان‌ها مقایسه نماید و با درک



۴۲. طوسی، محمد، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتب الإعلام الإسلامی، بیروت، رمضان المبارک ۱۴۰۹، ج ۱۰، ص ۷۵.
 ۴۳. تفسیر کبیر، ج ۳۰، ص ۸، به نقل از: دهقان، اکبر، راه رشد، تهران، مرکز فرهنگی درس‌های از قرآن، ۱۳۷۹، ص ۱۲۴.

۴۴. آینه‌وند، صادق، سیره نبوی و سیره نگاران، تهران، خانه کتاب، چاپ دوم، ۱۳۸۸، ص ۱۲۴.

۴۵. طبرسی، حسن بن فضل، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، [ترجمه]، ج ۲۵، ص ۲۱۴.

برتری شخصیت وی، به او ایمان آورد.^{۴۶} امام علی (ع) در توصیف اخلاق پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «از رسول خدا (ص) شنیدم که فرمود: من با اخلاق نیک و شایسته مبعوث شدم».^{۴۷} و نیز درباره خوش خلقی پیامبر اسلام (ص) و مهربانی با مردم، می‌فرماید: «رسول خدا (ص) بخشنده‌ترین مردم و خوش معاشرت‌ترین آنان بود؛ به گونه‌ای که هرکسی، او را می‌شناخت و دوستش می‌داشت».^{۴۸} مردی از حضرت علی (ع) درخواست کرد که اخلاق رسول خدا (ص) را برای او توصیف کند و خصائص آن را بیان فرماید، حضرت فرمود: هرگاه تو نعمت‌های دنیا را توانستی شماره کنی من نیز اخلاق رسول خدا (ص) را شماره می‌کنم: مرد عرضه داشت: چگونه می‌توان نعمت‌های دنیا را برشمرد؟ درحالی‌که قرآن شمارش آن‌ها را خارج از قدرت بشر دانسته و فرموده: «وَإِنْ تَعْدُوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا»^{۴۹} حضرت فرمود: همین نعمت‌های دنیا که شمارش آن‌ها از عهده بشر خارج است از نظر قرآن اندک و ناچیزند چنانچه که فرمود: «قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ؛ بگو نعمت‌های دنیا ناچیزند»^{۵۰} ولی اخلاق پیامبر (ص) را بزرگ و عظیم یاد نموده و فرموده: «وَ أَنْتَ لَعَلَى خَلْقٍ عَظِيمٍ» حال که تو برشمارش قلیل و ناچیز قادر نیستی و عاجزی من چگونه بر شمارش عظیم قادر باشم».^{۵۱}

امام صادق (ع) می‌فرماید: «خدای تعالی رسول خود را به صفات پسندیده اختصاص داد، پس شما خود را بیازمایید؛ هرگاه این صفت نیک پیامبری در شما بود، خدای را سپاس گوید و در تقویت و افزایش آن صفات بکوشید سپس آن صفات ده‌گانه را یادآور می‌شود: یقین، قناعت، صبر، شکر، حلم، حسن خلق، سخاوت، غیرت، شجاعت و جوانمردی».^{۵۲} شیخ صدوق در معانی الاخبار از امام حسن و امام حسین (ع) تعداد بی‌شمار از رفتار و اخلاق رسول خدا (ص) نقل می‌کند؛ از جمله آن‌ها:

۱. بیشتر اوقات ساکت بود و جز به هنگام ضرورت سخن نمی‌گفت؛

۴۶. ر.ک: داوودی، محمد، سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، قم، انتشارات پژوهشگاه، ۱۳۸۹، ص ۵۶.

۴۷. طوسی، محمد بن الحسن، آمالی، قم، دار الثقافة للطباعة والنشر والتوزيع، چاپ اول، ۱۴۱۴ ه.ق، ص ۵۹۶.

۴۸. طرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، [بی جا]، منشورات الشریف الرضی، ۱۳۹۲ - ۱۹۷۲ م، ص ۱۷.

۴۹. ابراهیم: ۳۴.

۵۰. نساء: ۷۷.

۵۱. رازی، فخر الدین، پیشین، ج ۳۲، ص ۲۲۳.

۵۲. طوسی، محمد بن الحسن، آمالی، پیشین، ص ۲۹۰.

۲. اگر حقی پایمال می‌شد، از شدت خشم، کسی را نمی‌شناخت و از هیچ چیز پروا نداشت تا آنکه حق را یاری کند؛

۳. چشم‌ها افتاده بود و به سوی زمین بیشتر نگاه می‌کرد تا به آسمان؛

۴. هر که را می‌دید، ابتدا سلام می‌کرد؛

۵. در مجالس جای مخصوص برای خود انتخاب نمی‌کرد؛

۶. بر بی‌ادبی شخص غریب در پرسش و گفتار صبر می‌کرد؛

۷. بیشتر خنده‌های آن حضرت لبخند بود و ...^{۵۳}

توصیف اخلاق آن حضرت در آینه روایات را با کلام گوهریار خودش به پایان می‌رسانیم که فرمود: «آیا به شما خبر دهم که چه کسانی اخلاقشان مانند من است؟ عرض کردند: بفرمایید ای رسول خدا! فرمود: کسانی که از نظر خلق و خوی، نیکوترین اخلاق را داشته باشند و کسانی که از نظر کار خیر، نیکوکارترین شما به خویشاوندانشان باشند و کسانی که از نظر انصاف، منصف‌ترین فرد درباره خود؛ آن هم رعایت انصاف بیشتر درباره خودش، در همه احوال؛ چه در حال خوشنودی و چه در وقت ناخوشی».^{۵۴} در واقع پیامبر اسلام درباره ویژگی‌های اخلاقی خودشان می‌فرمایند: خوش‌اخلاق‌ترین فرد؛ صبورترین و حلیم‌ترین شخص، نیکوکارترین انسان نسبت به همه، به خصوص خویشان؛ و منصف‌ترین آدم، چه در زمانی ناراحتی و چه در وقت خوشحالی. پس پیروان من نیز باید چون من باشند.

۳. نمونه‌های از فضایل اخلاقی پیامبر اکرم ﷺ

در سیره اخلاقی پیامبر ﷺ صدها نمونه از اخلاق نیک و زیبا وجود دارد که هر کدام نشانگر قطره‌ای از اقیانوس عظیم حسن خلق آن حضرت است، گرچه سخن گفتن درباره آن‌ها کاری است بس دشوار، ولی به‌اندازه توان خود برای علاج دردهای مزمن روحی و اخلاقی جامعه از گنجینه عظیم کمالات و فضایل اخلاقی پیامبر باید استفاده کرد:

آب دریا را اگر نتوان کشید

هم به‌قدر تشنگی باید چشید

۵۳. صدوق، علی بن بابویه، معانی الأخبار، مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ۱۳۷۹ - ۱۳۳۸ ش، ص ۸۱.

(باب، معانی ألفاظ وردت فی صفة النبی صلی الله علیه وآله)

۵۴. کمپانی، فضل الله، رحمت عالمیان (حضرت محمد مصطفی ۹)، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول [بی‌تا]، ص ۶۱۰.



اکنون به نمونه‌های از سیره فردی و اجتماعی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اشاره می‌کنیم، تا ضمن پی‌بردن به گوشه‌هایی از فضایل و کمالات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با پیروی و بهره‌گیری از رفتارهای آن بزرگوار راه رسیدن به خوشبختی را هموار سازیم:

الف) نرم‌خویی و بردباری

یکی از خصوصیات اخلاقی و ویژگی بی‌نظیر خلق و خوی آن حضرت نرم‌خویی و بردباری ایشان در برابر درشت‌خویی‌ها و بی‌ادبی‌ها و جهالت‌های عرب‌های بدوی و مردمان دور از ادب و تمدن و حتی دشمنان کینه‌توز بود، که خود یکی از عوامل مهم جذب آنان به اسلام و علاقه آنان به رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. علی رضی الله عنه در حدیثی فرمود: «بلین الجانب تأنس النفوس؛ با نرم‌خویی است که نفوس مردم با انسان انس می‌گیرد».^{۵۵} از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: «...و علیکم بالأناة واللين، والتسرع من سلاح الشیاطین وما من شیء أحب إلى الله من الأناة واللين؛ به شما باد به بردباری و نرم‌خویی، و شتاب در برخورد از سلاح‌های شیطان‌ها است و در پیشگاه خداوند چیزی محبوب‌تر از نرم‌خویی و بردباری نیست».^{۵۶}

نرم‌خویی و بردباری آن حضرت از عنایات و الطاف الهی شمرده شده و از پرتو رحمت الهی به او عنایات شده بود، و این امر سبب گرایش و توجه مردم به آن بزرگوار گردید. در قرآن مجید، به نقش این ویژگی اخلاقی پیامبر صلی الله علیه و آله در پیشرفت اسلام و جذب دل‌ها تصریح شده است که می‌فرماید: «قِمًا رَحْمَةً مِّنَ اللَّهِ لَئِنْ لَّهُمْ»^{۵۷} خدا به پیامبرش خطاب می‌کند: ای پیامبر گرامی...، در پرتو لطف خدا، تو نسبت به مسلمین، اخلاق لَین و نرم و بسیار ملایمی داری روحیه تو روحیه‌ای است که با مسلمین همیشه در حال ملایمت و حلم و بردباری و حسن خلق و حسن رفتار و تحمل و عفو و امثال این‌ها هستی. «وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِیظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ»^{۵۸} اگر این خلق و خوی تو نبود و اگر بجای این اخلاق نرم و ملایم، اخلاق خشن و درشتی داشتی، مسلمانان ازدورتو پراکنده می‌شدند. یعنی این خلق تو عامل بزرگ برای جذب مسلمین است. این خودش نشان می‌دهد که یکی از شرایط رهبر،

۵۵ لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم والمواعظ، دار الحدیث، تحقیق: الشیخ حسین الحسینی البیرجندی، چاپ اول، ۱۸۸۹.

۵۶ شیخ الصدوق، علی بن بابویه، علل الشرائع، تحقیق: السید محمد صادق بحر العلوم، منشورات المكتبة الحیدریة ومطبعتها - النجف الأشرف، ۱۳۸۶ - ۱۹۶۶ م، ج ۲، ص ۵۳.

۵۷ آل عمران: ۱۵۹.

۵۸ همان.

مدیر و آن که مردم را به اسلام دعوت می‌کند این است که در اخلاق شخصی و فردی، نرم و ملایم باشد.

ب) تواضع و فروتنی

از جمله صفاتی که انسان را به تکامل دعوت می‌کند و از نظر خدای بزرگ و بندگان پسنجیده است صفت فروتنی است که اگر این صفت در جامعه رسوخ پیدا کند می‌تواند جلوی بسیاری از کدورت‌ها و تکبرها را بگیرد و زمینه و مقدمه اتحاد و همبستگی را فراهم کند.^{۵۹} انسان موحد که خدای سبحان را سرچشمه کمال می‌داند و باور دارد هر نعمتی از جانب خداوند است، در برابر انسان‌های دیگر فروتن خواهد بود و هیچ‌گاه خود را برتر از دیگران به شمار نخواهد آورد. رسول گرامی اسلام، الگوی فرتنی و تواضع است؛ چون ایشان به واقع، مظهر کمال الهی بود و تمام ارزش‌های انسانی در او تبلور یافته بود. قرآن کریم، پیامبر را انسان ملایم، متواضع و فروتن معرفی می‌کند و پیامبرش را به آغوش گشودن - که نهایت تواضع و فروتنی عزت‌مدارانه است - در برابر مؤمنان فرمان می‌دهد: «واخفض جناحك للمؤمنين؛ و بال عطوفت خود را برای مؤمنان فرود آر».^{۶۰} با تعبیر همسان در آیه دیگر می‌فرماید: «واخفض جناحك لمن اتبعك من المؤمنين؛ و بال و پر خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند بگستر».^{۶۱} «خفض» بر وزن «خشم» به معنای پایین آوردن و «جناح» به مفهوم بال است. خفض جناح کنایه از تواضع آمیخته با محبت، سرشار از مهربانی و خالص از نیاز و غرض است؛ بدان سان که مرغی، بر روی جوجه‌های خود، بال مهر و مادری می‌گستراند.

پیامبر ﷺ موظف به فروتنی در برابر مؤمنان و ابراز مهر و محبت به آنان می‌شود: «وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ؛ و چون کسانی که به آیات ما ایمان دارند، نزد تو آیند، بگو: درود بر شما».^{۶۲} پیشی گرفتن در سلام، از جانب پیامبر ﷺ تنها به عنوان یک وظیفه خاص و محدود مطرح نشده است، بلکه این موضوع به عنوان جلوه‌ای از تواضع و اخلاق متعالی مطرح شده است. تواضع او در برابر خلق الله برای جلب رضایت خدا بود: «وكان



۵۹. سلطانی، غلامرضا، تکامل در پرتو اخلاق، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۲۳۳.

۶۰. حجر: ۸۸.

۶۱. شعرا: ۲۱۵.

۶۲. انعام: ۵۴.

يَأْكُلُ أَكْلَةَ الْعَبْدِ وَيَجْلِسُ جَلْسَةَ الْعَبْدِ، تَوَاضَعًا لِلَّهِ عِزَّ وَجَلٍّ؛ بِرَأْيِ رِضَايِ خُدا هَمَانْدِ بَرْدِه بِي
آلایش می نشست و غذا میل می کرد».^{۶۳}

آن حضرت درمنتهای درجه تواضع و فروتنی بود، او آنی از این که عبد خداست، غافل
نمی شد، همیشه خود را در برابر عظمت حق، عبدی ضعیف که: «لا یملک لنفسه نفعاً و لا
ضرراً و لا موتاً و لا حیاة و لا نشوراً» می دید. کسی که این گونه است چه قدر نسبت به بندگان
خدا متواضع و مهربان است.^{۶۴}

امام باقر (ع) درباره تواضع و انتخاب آن از طرف پیامبر (ص) فرمود: «و لقد أتاه جبرئیل
بمفاتیح خزائن الأرض ثلاث مرار [مرآت]، فخيره من غیر أن ینقصه الله مما أعد له یوم
القیامة شیئاً، فیختار التواضع لربه جلّ و عزّ؛ جبرئیل سه نوبت کلیدهای خزانه های زمین را
در اختیار ایشان قرار داد که انتخاب کند، بدون آن که از (مقامات آخرتی او و) آنچه برای او
در قیامت آماده کرده است خدای تبارک و تعالی کم کند، پس ایشان فروتنی در مقابل
پروردگار عزیز و جلیل را انتخاب نمود».^{۶۵} خود آن بزرگوار فرمود: «خمس لا ادعهن حتی
الممات: الاکل علی الحضیض مع العبید، و رکوبی الحمار مؤکفاً و حلبی العنز بیدی، و لبس الصّوف
و التسلیم علی الصبیان لتکون سنّة من بعدی؛ پنج چیز را تا دم مرگ رها نمی کنم: ۱. خوردن بر
روی زمین با بردگان؛ ۲. سوار شدن الاغ در حالی که فقط عرق گیر داشت؛ ۳. دوشیدن شیر
بز با دستان خویش ۴. پوشیدن جامه پشمی و سلام نمودن بر کودکان تا بعد از من سنت و
رسم شود».^{۶۶}

ج) انسان دوستی

انسان دوستی و مهربانی پیامبر (ص) در حدی بود که امام صادق (ع) فرمود: «صلی رسول الله
بالناس الظهر فخفف فی الرکعتین الأخيرتین ...؛ روزی رسول خدا (ص) نماز ظهر را با جماعت
خواند، مردم بسیاری به او اقتدا کردند، ولی آن ها ناگاه دیدند آن حضرت بر خلاف معمول دو
رکعت آخر نماز را با شتاب تمام کرد، مردم از خود می پرسیدند به راستی چه حادثه مهمی رخ

۶۳. طباطبائی، محمد حسین، سنن النبی (ص)، تحقیق: الشیخ محمد هادی الفقهی، قم، مؤسسة النشر الإسلامی
التابعة لجماعة المدرسين، رمضان ۱۴۱۹ هـ. ق، ص ۲۱۴، ج ۶.
۶۴. مطهری، مرتضی، بیست گفتار، تهران، صدرا، ۱۳۷۵، ص ۱۲۲.
۶۵. طباطبائی، محمد حسین، پیشین، ص ۲۲۷، ج ۶.
۶۶. شیخ الصدوق، علی بن بابویه، علل الشرائع، تحقیق: السید محمد صادق بحر العلوم، منشورات المكتبة الحیدریة
ومطبعتها - النجف الأشرف، ۱۲۸۶ - ۱۹۶۶ م، ج ۱، ص ۱۳۰، ج ۱.

داده که پیامبر (نمازش را با شتاب تمام کرد؟! پس از نماز از پیامبر ﷺ پرسیدند: مگر چه شده؟ که شما این گونه نماز را (با حذف مستحبات) به پایان بردی؟ پیامبر ﷺ در پاسخ فرمود: اما سمعتم صراخ الصبی؛ آیا شما صدای گریه کودک را نشنیدید؟^{۶۷} معلوم شد که کودکی در چند قدمی محل نمازگزاران گریه می کرده و کسی نبود که او را آرام کند. صدای گریه او دل مهربان پیامبر ﷺ را به درد آورد، از این رو نماز را با شتاب تمام کرد، تا کودک را از آن وضع بیرون آورده و نوازش نماید. نوشته اند زنی در مدینه که اندکی از عقلش زایل شده بود، خدمت حضرت رسید و عرضه داشت: نیاز به همراهی با شما دارم. حضرت در پاسخ فرمود: «إجلسی فی أی سِکِّ المدینه شئتَ أجلسَ ألیکِ؛ در هر جا از این کوچه های مدینه که می خواهی بنشین من هم با تو خواهم نشست».^{۶۸} و با تو گفت و گو خواهم کرد.

آن چه تردید و انکار بر نمی تابد این است که رهبران اجتماعی به ویژه آنانکه رسالت آسمانی و جهانی داشته و پیروان میلیونی در میان انسان ها یافته اند، کسانی بوده اند که شدیداً مردم گرا و انسان دوست بوده اند.

تلاش و رنج هدایت گرانه حضرت نوح علیه السلام به مدت نهصد و پنجاه سال، زحمات های طاقت سوز موسی، یونس، هود، صالح، ابراهیم و... گواه روشن این حقیقت است. سیمایی که قرآن، از آخرین فرستاده الهی، حضرت محمد ﷺ ترسیم می کند، چهره صمیمی، دلسوزترین و علاقه مندترین همه رهبران و پیشوایانی است، که تاریخ سراغ دارد، شاید بدان سبب که او چون رسالت خاتم و جهان شمول داشته و دین او، دین همواره انسان ها است. پس باید که پیمانه دل او نیز لبریزتر از دیگران و حتی سایر انبیای الهی، نسبت به سرنوشت و حیات انسان ها باشد تا نیروی رها شده از این دوستی و علاقه مندی از فراز زمان ها و مکان ها بگذرد و میلیاردها دل را در پی او، روانه کند تا دین او جهانی گردد و جاودانه بماند.

(د) ادب و احترام

ادب و احترام به شخصیت دیگران از خصلت های پسندیده و زیبایی است که شریعت اسلام ما را به آن توصیه کرده و هم شیوه پیشوایان الهی در برخورد با دیگران بوده است. پیامبر اسلام ﷺ همیشه به این اصل توجه تام داشته و شخصیت دیگران را با تعظیم و احترام به



۶۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق: علی أكبر الغفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۷ ش، ج ۶، ص ۶۸، ح ۴.

۶۸. زرنندی حنفی، جمال الدین محمد، نظم در السمطین، [بی نا] و [بی جا]، ۱۳۷۷ - ۱۹۵۸ م، ص ۶۱.

آن‌ها، حفظ می‌کرد. بسیاری از رفتارهای و برخوردهای اکرام آمیز پیامبر اسلام ﷺ با دیگران در کتاب‌های سیره آمده است که به برخی موارد اشاره می‌شود:

۱. وما قعد إلی رسول الله، رجل قط فقام حتی يقوم؛ اگر مردی وارد می‌شد و در خدمت پیامبر می‌نشست هرگز حضرت از مجلس بلند نمی‌شد تا وقتی که خود آن شخص بلند می‌شد.^{۶۹}

۲. ولقد کان يدعو أصحابه بکناهم إكراما لهم و استماله لقلوبهم... از قول انس آمده است که پیامبر ﷺ بخاطر احترام و اکرام و جذب دیگران، آنان را به کنیه - نه اسم - صدا می‌زد و برای کسانی که کنیه‌ای نداشت خود کنیه قرار می‌داد و از آن پس بدان کنیه خوانده می‌شدند و زنانی فرزندان و یا فرزندان را نیز خطاب می‌کرد...^{۷۰}

۳. او احترام فوق العاده به میهمان می‌گذاشت به گونه‌ای که مشایعت میهمان تا درب خانه از سنت پیامبر ﷺ بود و همچنین هنگامی که برای رسول خدا ﷺ میهمان می‌رسید حضرت با او غذا میل می‌فرمود تا میهمان از غذا خوردن دست نمی‌کشید همچنان به خوردن ادامه می‌داد.^{۷۱} اگر به تاریخ مراجعه کنیم و سیره شخصیت‌های برجسته جهان را بنگریم، خواهیم دید که در رفتار هیچ شخصیتی در طول تاریخ به اندازه سیره درخشان پیامبر اسلام ﷺ احترام و ادب برخاسته از عمق و دل و جان، در قبال انسان‌ها به چشم نمی‌خورد.

هـ) ساده زیستی و قناعت

پیامبر ﷺ اسوه کامل و هدایتگر همه آدمیان بود، مانند دیگر افراد زندگی می‌کرد و از هرگونه مقام پروری و شخصیت‌سازی که میان او و مردم فاصله می‌انداخت، پرهیز می‌کرد. روش او در خوراک، پوشاک، مسکن و برخورد افراد، سادگی بود و در تمام رفتارهایش اصل سادگی و سبک بودن مئونه به چشم می‌خورد.^{۷۲} سیره نویسان درباره‌اش نوشته‌اند: «کان رسول الله ﷺ خفیف المؤمنه؛ پیامبر (در زندگی) کم خرج بود».^{۷۳} درسیره اخلاقی پیامبر ﷺ آمده است که ایشان بر روی زمین غذا می‌خورد و همانند بندگان می‌نشست و کفش خود را با

۶۹. طباطبائی، محمد حسین، سنن النبی (ص)، پیشین، ص ۱۲۲، ج ۲۱.

۷۰. طباطبائی، محمد حسین، سنن النبی (ص)، پیشین، ص ۱۲۳، ج ۲۶.

۷۱. سهراب پور، همت، الگوی کامل (نگاهی به سیره اخلاقی پیامبر اکرم)، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۷۹، ص ۳۹.

۷۲. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۳۷۵، ص ۱۰۲ و ۱۰۳؛ مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۲۵۸.

۷۳. اسحاقی، حسین، ملکوت اخلاق، تهران، مشعر، ۱۳۸۵، ص ۸۵.

دست خویش وصله می‌کرد و برالاغ سوار می‌شد و شخص دیگری را هم ردیف خود سوار می‌نمود.^{۷۴} هنگامی که دید درخانه‌اش پرده‌ای آویزان شده که بر روی آن تصاویری وجود دارد به یکی از زنان خویش فرمود: ای زن این پرده را از من پنهان نما چرا که هرگاه به آن نگاه می‌کنم به یاد دنیا و زخارفش می‌افتم.^{۷۵} علی علیه السلام در نهج‌البلاغه جمله‌ای دارد که سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله را تفسیر می‌کند. در قسمتی از آن می‌فرماید: «مع قناعة مَلَأَ الْقُلُوبَ وَالْعُيُونَ غِنًى».^{۷۶} خدا به آن‌ها در درونشان نیروی عزم و تصمیم و اراده داد با یک قناعتی که دل‌ها و چشم‌ها را از نظر بی‌نیازی پر می‌کند.^{۷۷} به فرموده امام علی علیه السلام، پیامبران در زیّ قناعت و سادگی بودند و این سیاست‌شان بود. سیاست الهی آن‌ها، علاوه بر چشم‌ها دل‌ها را هم پر می‌کرد، و لی نه با جلال و شکوه ظاهری، بلکه با جلال معنوی که با سادگی همراه بود. پیامبر اکرم، به قدری از جلال و حشمت ظاهری تنفر داشت که سراسر زندگی او از این قضیه پر است. رهبر بزرگ جهان اسلام از نظر امکانات مادی و زندگی هم‌تراز طبقات پایین جامعه آن روز زندگی می‌کرد و از تنوع طلبی و تجمل‌گرایی پرهیز داشت.

(و) صبر و استقامت

قرآن کریم چنان چه انسان را به فضیلتی دعوت می‌کند الگوهای عینی آن را نیز به آن‌ها معرفی می‌کند تا انسان‌ها بتوانند با بهره‌گیری از الگوی عملی روش آن‌ها را در زندگی سرمشق قرار دهند. در مسئله صبر و شکیبایی نیز قرآن الگوهایی را به انسان معرفی می‌کند این الگوها انبیاء و اولیاء الهی هستند که با صبر و مقاومت راه پیروزی را برای خود هموار کرده‌اند.^{۷۸} در حدود هفتاد آیه قرآن، سخن از صبر به میان آمده است، که بیش از ده مورد آن به شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله اختصاص دارد، یکی از موارد که خداوند به صبر و شکیبایی پیامبران اشاره می‌کند این آیه است: «فاصبر كما صبر اولوالعزم من الرسل؛ پس صبر و بردباری پیشه‌کن آنچنان که پیامبران اولوالعزم صبر کردند».^{۷۹}

۷۴. سلطانی رنانی، مهدی، دانشنامه موضوعی مقالات قرآنی، «خُلِقَ قرآنی پیامبر اعظم ۹ در آینه روایات»، ص ۱۳۳.

۷۵. همان، ص ۶۷.

۷۶. نهج البلاغة، (شرح: محمد عبده)، قم، دار الذخائر، ج ۲، ص ۱۴۵، خطبه: ۱۹۲.

۷۷. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱۶، ص ۹۰.

۷۸. جوادی آملی، عبدالله، «صبر و شکیبایی»، (تهیه و تدوین: مصطفی پور، محمد رضا) مجله: پاسدار اسلام، سال ۲۸،

شماره ۳۳۰، ص ۸.

۷۹. احقاف: ۳۵.



از دیگر اوصاف آن حضرت که واقعاً می‌تواند به عنوان الگوی زندگی قرار گیرد صبر و بردباری آن حضرت است، او در مقابل رنج‌های بی شماری چون کوه استقامت ورزید، در مقابل تهمت‌های فراوان، جنگ‌های متعدد، محاصره اقتصادی، رنج و زحمت هجرت، ازدست دادن فرزندان و... چون کوه استقامت ورزید و در همه مناسبات خویش، صبری شگرف داشت و این درحالی بود که خود فرمود: «ما اودى احدٌ مثل ما اوديت فى الله؛ هیچ فردی همانند من در راه خدا مورد اذیت قرار نگرفت».^{۸۰} استاد مطهری در زمینه صبر آن حضرت می‌گوید: «اراده و استقامتش بی‌نظیر بود؛ از او به یارانش سرایت کرده بود. دوره بیست و سه ساله بعثتش یکسره درس اراده و استقامت است. او در تاریخ زندگی‌اش مکرر درشرایطی قرار گرفت که امیدها از همه‌جا قطع می‌شد ولی او یک لحظه تصور شکست را در مخیله‌اش راه نداد، ایمان نیرومندش به موفقیت یک لحظه متزلزل نشد».^{۸۱} راز این مسئله هم این بود که حضرت به خوبی می‌دانست پیروزی در درون همان صبرها و استقامت‌ها قرار دارد و گشایش همراه با رنج‌هاست.

بر پیروان پیامبر اکرم ﷺ است که در سختی و گرفتاری‌ها، رنج‌ها و زحمت‌ها، در عین تلاش و کوشش از صبر و بردباری بهره‌گیرند، امام صادق (ع) با توجه به این نکته است که فرمود: «علیک بالصبر فى جميع امورک فان الله عزّ و جلّ بعث محمداً فامرہ بالصبر و الرفق...؛ باید در تمام کارهای خود صبر کنی، زیرا خدای عزیز، محمد ﷺ را که به پیامبری مبعوث نمود، به او دستور داد که صبر و مدارا را پیشه خود سازد».^{۸۲}

(ز) گذشت و ایثار

گذشت و ایثار در تمام زمین‌ها از ارزش‌های است که در همه مکاتب و نزدهموم ملت‌ها از تقدس و احترام خاص برخوردار است، انسان‌ها برای افراد ایثارگر و با گذشت ارزشی قائل‌اند که برای سایر افراد چنین ارزش قائل نیستند.

قرآن کریم که بزرگ‌ترین مربی انسان‌هاست همه ماها را به این ارزش نورانی توصیه می‌کند و می‌فرماید: «وَلْيَعْقُوا وَلْيَصْفَحُوا؛ باید مؤمنان همیشه بلند همت بوده و نسبت به خلق عفو و گذشت پیشه کنند».^{۸۳} پیامبر گرامی اسلام ﷺ که تربیت شده قرآن است، هم گذشت

۸۰. سیوطی، جلال الدین، الجامع الصغیر فی الاحادیث البشیر النذیر، بیروت، دارالفکر، چاپ دوم، ج ۲، ص ۱۲۵.

۸۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۲۶۰.

۸۲. کلینی، محمد بن یعقوب، پیشین، ج ۲، ص ۸۸.

۸۳. نور: ۲۲.

داشت و هم در برابر بدی نیکی می‌کرد، همان گونه که سیره امامان: چنین بوده است. در فضایل پیامبر ﷺ وارد شده است: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ لَمْ يَنْتَقِمْ لِنَفْسِهِ مِنْ أَحَدٍ قَطُّ، بَلْ كَانَ يَغْفُو وَ يَصْفَحُ؛ رَسُولُ خُدا ﷺ برای خود از کسی انتقام نگرفت بلکه از آنان که آزارش می‌دادند درمی‌گذشت».^{۸۴} رسول خدا ﷺ که درگذشت و ایثار نمونه و «اسوه» و آراسته به این رفتار پسندیده بود می‌فرمود: مروت و جوانمردی ما خاندان، در آن است که از کسانی که به ما ستم می‌کنند، در می‌گذریم و به کسانی که ما را محروم ساخته‌اند، بخشش می‌نمایم.^{۸۵}

ح) اخلاص

اخلاص مرحله حساس از دین است و دارندگان آن اندک‌اند و جز با مدد الهی نمی‌تواند به این منزلگاه متعالی راه یابند. عمل و رفتار بدون اخلاص و نیت خالص، کالبد بی‌جان دانسته شده و به عنوان پیوند رفتار بیرونی با جان از ارزش خاصی بر خوردار می‌شود. در آیات قرآن به دو نوع آیات بر خورد می‌کنیم، دسته اول آیاتی که دستور می‌دهد که باید در انجام عبادات خود عمل را به خاطر خدا و بطور اخلاص به جای آورند مثل آیه: «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ؛ همه دستور و فرمان یافتن که خدا را با اخلاص به جای آورند»^{۸۶} که در این نوع هدف و مقصد ایجاد اخلاص در عمل بوده است.^{۸۷} لذا برخی گفته‌اند که اگر بخواهیم دین را بعنوان مجموعه‌ای از معارف الهی و مسائل اخلاقی و احکام عملی، تحلیل کنیم تنها به اخلاص ختم می‌شود؛ یعنی انسان، ذات و صفات و افعالش را بر این اساس قرار دهد که همگی آن‌ها برای خدا باشد.^{۸۸} اما در آیات قرآن به نوع دیگر از آیات برخورد می‌کنیم که کلمه مخلصین از آن قبیل است و منظور از این کلمه بصورت صیغه مفعول آورده شده این است که این عده خویشتن را خالص گردانیده‌اند؛ یعنی در این گونه افراد جز خدا و عشق به او چیزی دیگری از دنیا و آخرت وجود ندارد؛^{۸۹} پس قرآن کریم برای بیان اخلاص، چهره‌های شاخصی ارائه می‌فرماید. این چهره‌های والامقام، بندگان مخلص خداوند که پروردگار سبحان ایشان را بدین وصف معرفی می‌نماید که: «و اذکر فی الکتاب



۸۴. طباطبائی، محمد حسین، سنن النبی (ص)، پیشین، ص ۱۲۲، ح ۲۰.

۸۵. جوان مهر، حسین، پیشین، ص ۱۱۷ و ۱۱۸.

۸۶. بینه: ۵.

۸۷. رک: رشید پور، مجید، مبانی اخلاق، [بی جا]، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۲، ص ۹۹-۱۰۱.

۸۸. صداقتی، محسن، «مقام مخلصین در قرآن» دانشنامه موضوعی مقالات قرآنی گرفته شده از: روز نامه کیهان.

W W W.MAAREFQURAN.ORG

۸۹. رشید پور، مجید، پیشین.

موسیٰ این کان مخلصا و کان رسولا نبیاً؛ و موسیٰ را که بنده‌ای مخلص و فرستاده‌ای پیامبر بود، در این کتاب یاد کن.^{۹۰} (مریم: ۵۱)؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز نمونه بارز مخلصان هستند؛ زیرا شاخصه اول ایشان بندگی تمام عیار خدای سبحان است: «...فاعبد الله مخلصا له الدین؛ همانا ما این کتاب را به حق به سوی تو نازل کردیم، پس خدا را پرستش کن درحالی که عبادت را برای او خالص کرده باشی».^{۹۱} درمعنای اخلاص گفته‌اند که پاک کردن نیت از غیر خدا و انجام دادن عمل برای اوست.^{۹۲} و حقیقت آن، بیزاری از غیر خدا است. پس اخلاص سرّی است الهی که تنهادرقلب بندگان محبوب الهی قرار می‌گیرد.^{۹۳} که خداوند پیامبران بزرگ خویش را با این صفت ستوده است. و یکی دیگر از نوع اخلاص؛ اخلاص پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در ابلاغ پیام‌های الهی است: «قل لا اسألكم علیه اجرا ان هو الا ذکرى للعالمین؛ بگو: در برابر این (رسالت و تبلیغ) پاداشی از شما نمی‌طلبم، این (رسالت) چیزی جز یک یادآوری برای جهانیان نیست».^{۹۴} پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بارها به روشنی اعلام کرد در برابر تلاش‌هایی که انجام می‌دهد، رنج‌هایی که می‌برد و سختی‌هایی که بر خود هموار می‌کند، کوچک‌ترین مزد و پاداشی نمی‌طلبد.^{۹۵} زندگی و فعالیت بیست و سه ساله پیامبر صلی الله علیه و آله انگیزه و رنگ و بویی جز اجرای خالصانه دستورات الهی و انجام تمام و کمال تکلیف بزرگ رسالت و مأموریت از جانب پروردگار نداشت. چنان که هرگز در برابر ایمان آوردن به کسی وعده پول، شهرت، مقام و رسیدن به ریاست و منصبی را نداد و از شیوه‌های رایج و معمول سایر رهبران سیاسی، اجتماعی در پیش‌برد اهداف و جلب همکاری و حمایت پیروان و یاران سود ن جست، زیرا که او خود نیز در پی هیچ یک نبود.

نتیجه

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اول شخصیت معنوی و اخلاقی جهان هستی است که مدارج و مراحل عالی انسانیت را پیموده و بهترین الگو برای ملکات فاضله نفسانی است.

۹۰. سرشار، مزگان، «شرک و اخلاص در قرآن و مرز بین آن دو در قرآن کریم»، مجله رشد، (آموزش قرآن) - گاهنامه، شماره ۲، سال ۱۳۸۲.

۹۱. زمر: ۲.

۹۲. صداقتی، محسن، «مقام مخلصین در قرآن»، پیشین.

۹۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، دار إحياء التراث العربی، بیروت - لبنان، ۱۴۰۳ - ۱۹۸۳ م، ج ۶۷، ص ۲۴۹.

۹۴. انعام: ۹۰.

۹۵. هاشمی، حسین، «قرآن و شاخصه‌های اخلاق نبوی(ص)»، پیشین.

۲. خداوند در قرآن کریم رسول گرامی اسلام ﷺ را در طول تاریخ تا پایان خلقت، بزرگ‌ترین سرمشق بشریت معرفی کرده است؛ زیرا شخصیت پیامبر، نمونه‌ای برای یک روزگار، یک نسل، یک ملت، یک مذهب، و یک مکان خاص نمی‌باشد، بلکه یک سمبل جهانی و همیشگی برای تمام مردم در همه زمان‌هاست.

۳. پیامبر ﷺ توسط هدایت‌های عام و خاص الهی تربیت یافت به گونه ای که خود فرمود: «أَدَّبَنِي رَبِّي وَ أَحْسَنَ تَأْدِيبِي» خدایم مرا ادب آموخت و چه نیکو مرا ادب آموخت. اخلاق پیامبر اسلام در آیات و روایات بی شمار، مورد توجه قرار گرفته است؛ که نشانگر مرتبت و شخصیت اخلاقی آن حضرت و نیز درشناساندن پیامبر اسلام به مخاطب و در ایجاد تقویت اعتقاد به او، تأثیر بس مهم داشته است.

۴. یکی از راز و رمزهای مهم پیشرفت اسلام (در صدر اسلام) که بسیار چشمگیر بود، همان سیره و منش اخلاقی پیامبر ﷺ بود؛ که خداوند آن را هدیه‌ای از خود به آن حضرت و عامل محبوبیت و نفوذ وی در دل‌ها می‌شمارد که نبود آن را برابر با شکست نهضت نبوی و ناکامی اسلام و قرآن معرفی می‌کند.

۵. هر کدام از نمونه‌های سلوک اخلاقی پیامبر اسلام ﷺ، چون آئینه‌ای شفاف ما را به تماشای جمال زیبای اخلاق نیک آن حضرت دعوت می‌کند. و آنچه مرور کردیم بخشی از گنجینه عظیم فضایل انسانی و قطره ای از دریای بیکران اخلاق نبوی بود.



منابع

۱. قرآن
۲. نهج البلاغه
۳. آيينه‌وند، صادق، سيره نبوی وسيره نگاران، تهران، خانه کتاب، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۴. أبوالحسين أحمد بن فارس زكريا، معجم مقاييس اللغة، تحقيق: عبد السلام محمد هارون، مكتبة الإعلام الإسلامي، ۱۴۰۴.
۵. ابن منظور، جمال الدين محمد بن مكرم، لسان العرب، دار احياء التراث العربی، بيروت، ۱۴۰۸ ق.
۶. ابن هشام، عبدالملك، سيره النبي، دارالفكر، بيروت، ج ۱، [بی نا]، [بی تا].
۷. ابن ماجه، محمد بن يزيد القزوينی، سنن ابن ماجه، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، ج ۲.
۸. احمدی خواه، علی، خُلق عظیم پیامبر اعظم، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۹۰.
۹. احمد بن حنبل، مسند احمد، دار صادر - بيروت - لبنان، ج ۱.
۱۰. اسحاقی، حسین، ملکوت اخلاق، تهران، مشعر، ۱۳۸۵.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن، مبادی اخلاق درقرآن، قم، انتشارات هجرت، چ چهارم، خرداد ۱۳۸۴، ج ۱۰.
۱۲. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح؛ تحقیق احمد عبد الغفور عطار، بيروت، دارالعلم لملايين، الرابعه، ۱۴۱۸ ق، ج ۴.
۱۳. جوادی، محسن، دائره‌المعارف قرآن کریم، ج ۲، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، مقاله «اخلاق».
۱۴. جوادی آملی، عبدالله، «صبر و شکیبایی»، (تهیه وتدوین: مصطفی پور، محمد رضا) مجله: پاسداراسلام، سال ۲۸، شماره ۳۳۰.
۱۵. جوان مهر، حسین، سیره حکومتی پیامبر اسلام، رشت، انتشارات مبین، ۱۳۸۲.
۱۶. حائری تهرانی، مهدی، وشیر، عبدالله، بنیادهای اخلاق اسلامی، (ترجمه: حسین بهجو و علی مشتاق عسکری)، تهران، انتشارات صدر، چاپ سوم، ۱۳۷۳.
۱۷. حسینی، بی بی زهرا، پایان نامه: «رابطه اخلاق و دین از دیدگاه سید قطب و استاد مطهری»، جامعه المصطفی، ۱۳۸۹.
۱۸. حسینی زاده، علی، سیره تربیتی پیامبر، و اهل بیت (ع)، قم، انتشارات پژوهشگاه، ۱۳۸۲.
۱۹. داوودی، محمد، سیره تربیتی پیامبر، و اهل بیت (ع)، قم، انتشارات پژوهشگاه، ۱۳۸۹.
۲۰. دلشاد تهرانی، مصطفی، سیره نبوی، تهران، دریا، ۱۳۸۳.
۲۱. دهقان، اکبر، راه رشد، تهران، مرکزفرهنگی درس‌های از قرآن، ۱۳۷۹.
۲۲. رازی، فخر الدین، مفاتیح الغیب، بيروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ هـ ق، ج ۲۱.
۲۳. راغب اصفهانی، أبو القاسم الحسین بن محمد، مفردات فی غریب القرآن، دفتر نشر الکتاب، ۱۴۰۴ ق.
۲۴. رضایی اصفهانی، محمد علی وحلیم اف، محمد الله، «مبانی نظری مستشرقان درمورد تناقضات قرآن»، مجلات تخصصی قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره ۶.
۲۵. زبیدی، محمد مرتضی، تاج‌العروس من جواهر القاموس، بيروت، دارمکتبه الحیاه، [بی تا]، ج ۶.
۲۶. زرنندی حنفی، جمال الدین محمد، نظم در السمطین، [بی نا] و [بی جا]، ۱۳۷۷ - ۱۹۵۸ م.
۲۷. سلطانی رنانی، مهدی، دانشنامه موضوعی مقالات قرآنی، «خُلق قرآنی پیامبر اعظم ۹ در آيينه روايات».
۲۸. سیوطی، جلال الدین، الجامع الصغیر فی الاحادیث البشیر النذیر، بيروت، دارالفکر، چاپ دوم، ج ۲.
۲۹. سلطانی، غلامرضا، تکامل درپرتواخلاق، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱.
۳۰. سرشار، مژگان، «شکر و اخلاص در قرآن و مرز بین آن دو در قرآن» مجله رشد، (آموزش قرآن) گاهنامه، شماره ۲، سال ۱۳۸۲.



۳۱. صدوق، علی بن بابویه، علل الشرائع، تحقیق: السید محمد صادق بحر العلوم، منشورات المكتبة الحیدریة ومطبعتها - النجف الأشرف، ۱۳۸۶ - ۱۹۶۶ م، ج ۲.
۳۲.، معانی الأخبار، مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجامعة المدرسين بقم المشرفة، ۱۳۷۹ - ۱۳۳۸ ش.
۳۳. صداقتی، محسن، «مقام مخلصین درقرآن» دانشنامه موضوعی مقالات قرآنی گرفته شده از: روزنامه کیهان
۳۴. طباطبائی، محمدحسین، تفسیر المیزان (ترجمه: موسوی همدانی، محمد باقر)، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴، ج ۲۰.
۳۵.، سنن النبی، تحقیق: الشیخ محمد هادی الفقهی، قم، مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجامعة المدرسين، رمضان ۱۴۱۹ ه.ق، ص ۲۱۴.
۳۶. طبرسی، فضل بن الحسن، مکارم الأخلاق، منشورات الشریف الرضی، ۱۳۹۲ - ۱۹۷۲ م.
۳۷. طوسی، محمد، التبیان فی تفسیر القرآن، مکتب الإعلام الإسلامی، بیروت، رمضان المبارک ۱۴۰۹، ج ۱۰.
۳۸.، آمالی، قم، دار الثقافة للطباعة والنشر والتوزيع، چاپ اول، ۱۴۱۴ ه.ق.
۳۹. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۳۷۵.
۴۰.، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، [ترجمه]، ج ۲۵.
۴۱. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، (تحقیق: السید أحمد احسینی)، [بی جا]، مکتب النشر الثقافة الإسلامیة، ۱۴۰۸ - ۱۳۶۷ ش، ج ۱.
۴۲. فقیهی، سید احمد، مقاله «تربیت اخلاقی ازمنظر قرآن» WWW.MAAREFQURAN.ORG
۴۳. قربانی، عسگر، «ایمان، امید، محبت در اسلام ومسحیت»، انتشارات مؤسسه آموزشی امام خمینی (ر ه)، قم، ۱۳۹۰.
۴۴. کمپانی، فضل الله، رحمت عالمیان (حضرت محمد مصطفی ﷺ)، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول [بی تا].
۴۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق: علی أكبر الغفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۷ ش، ج ۶.
۴۶. لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم والمواعظ، دار الحديث، تحقیق: الشیخ حسین الحسینی البیروجندی، چاپ اول، ۱۸۸۹.
۴۷. مطهری، مرتضی، بیست گفتار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۵.
۴۸.، سیری درسیره نبوی، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۰.
۴۹.، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۹، ج ۱۶ و ج ۲.
۵۰. مهدی الترقی، محمد، جامع السعادات، مطبعة النعمان - النجف الأشرف، [بی تا]، ج ۱.
۵۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، دار إحياء التراث العربی، بیروت - لبنان، ۱۴۰۳ - ۱۹۸۳ م، ج ۶۷.
۵۲. منصوری، خلیل، دانشنامه موضوعی مقالات قرآنی، مقاله: «حسن خلق در آموزه های قرآنی»
۵۱. مصباح، محمد تقی، فلسفه اخلاق، شرکت چاپ و نشر بین الملل، تهران، ۱۳۸۰.
۵۳. هاشمی، حسین، «قرآن و شاخصه های اخلاق نبوی ۹»، فصلنامه پژوهش های قرآنی، دفتر تبلیغات اسلامی، شعبه خراسان رضوی، شماره ۴۶ - ۴۷، تابستان و پاییز ۱۳۸۵.



